

دندان فاسد!



هوشنگ شرقی

دبیر ریاضی و مدیر داخلی مجله ریاضی برهان ۲

دانشگاه از آن تأثیر می‌گیرند؟ پس تأخیر برای چیست؟ شاید مهم‌ترین علت، نداشتن راهکارهای مناسب باشد. به زعم نگارنده اولین قدم این است که باید اهمیت موضوع با تشکیل جلسات، سمینارها و کنفرانس‌هایی در سطح بالای مسئولین مطرح شود (به قول مرحوم شهرداری چگونه است که در این کشور برای موضوعی مثل درخت آلبالو، سمینار و کنفرانس برگزار می‌شود ولی برای موضوع حیاتی مثل کنکور نمی‌توان این کار را کرد؟! و در آنجا راهکارهای مختلف برای این موضوع بررسی شود تا به نتیجه بینجامد. اما یک پیشنهاد مشخص برای مسئولین محترم وزارت آموزش و پرورش دارم. این راهکار می‌تواند تا حدودی به سلامت فضای آموزش و پرورش و دور نگه داشتن آن از آثار مخرب کنکور بینجامد، تا زمانی که یک راهکار قطعی و نهایی اتخاذ شود. آموزش و پرورش می‌تواند با انتشار بخشنامه‌ای (و پیگیری قاطع برای اجرای درست آن) آموزش و ارزشیابی بر مبنای تست و پرسش‌های چهارگزینه‌ای را در تمام مدارس کشور به کلی ممنوع اعلام و با متخلفان قاطعانه برخورد کند. تمام مجوزهای مربوط به برگزاری کلاس‌های کنکور در مدارس لغو شوند و مدارس به هیچ عنوان اجازه عقد قرارداد با مؤسسات خصوصی برای برگزاری کلاس کنکور، برگزاری آزمون‌های دوره‌ای و موارد مشابه را نداشته باشند. با این کار البته مشکل حل نخواهد شد ولی لاقلاً آرامش به مدارس باز می‌گردد و مانند سال‌های دههٔ شصت (که ما کنکور دادیم) مسئله کنکور و آمادگی آن به خارج مدارس هدایت می‌شود و فشار روانی آن در زمان آموزش رسمی مدرسه‌ای از دوش مدیر، معلم و دانش‌آموز برداشته می‌شود.

و ترویج بی‌سوادی از طریق اشاعهٔ روش‌های تست‌زنی و نکته‌آموزی به جای دانش‌آموزی؛

۲. یک بعدی شدن دانش‌آموزان و بازماندن آن‌ها از شکوفایی استعدادهای متنوع نهفته در وجودشان.

۳. از میان رفتن بعد انسانی شخصیت نوجوانان و تبدیل شدن آنان به آدم‌واره (ربات‌هایی که به سرعت مشغول به حافظه سپردن نکته‌ها هستند!)

۴. منحصر شدن هدف آموزش و پرورش به گذرگاه و سکوی پرش به دانشگاه و بازماندن از اهداف مهم دیگر (تعالی شخصیتی، حیات طیبه و ...)

۵. ایجاد عطش کاذب و رقابت ناسالم برای رسیدن به رتبه‌های برتر که تأثیر مخربی بر روح و روان دانش‌آموزان و اولیای آنان دارد.

۶. گسترش نابرابری و تبعیض در عرصهٔ آموزش.

۷. ایجاد و گسترش دانشگاه‌های متعدد و متنوع و رنگارنگ با هدف پاسخگویی به نیاز کاذب «دانشجو شدن» که بسیاری از آن‌ها ناکارآمد و فاقد استانداردهای آموزشی و پرورشی‌اند.

۸. ایجاد گردونهٔ اقتصادی ناسالم و گسترده در پرتو تأسیس صدها مؤسسه، آموزشگاه و ناشران کمک‌آموزشی متعدد و اغلب ناکارآمد.

و البته موارد دیگری که می‌توان به این فهرست اضافه کرد. نیم‌نگاهی به این فهرست می‌تواند نگرانی عمیق فعالان عرصهٔ فرهنگ کشور را باعث شود تا به زعم ریاست محترم سازمان پژوهش، عزم جدی آنان برای مقابله با این وضع تحریک شود. اما چرا این چنین نیست؟ مگر نه این است که فرزندان همهٔ ما درگیر این جو ناسالم و مسموم می‌شوند و مستقیم و غیرمستقیم حتی پس از قبولی و ورود به

چندی پیش، در گروه ریاضی دفتر تألیف کتاب‌های درسی، ویژه‌نامهٔ پایهٔ یازدهم (ضمیمهٔ رشد معلم) مهر ماه ۱۳۹۶ را ملاحظه کردم. متن گفت‌وگو با ریاست سازمان پژوهش نظرم را جلب کرد. به خصوص یکی از سوتیترهای آن: «کنکور به یک معضل تبدیل شده و دندان فاسدی است که باید کنده شود و ترمیم شدنی نیست!». مصاحبه را به‌طور کامل خواندم و داغ دلم تازه شد!

از یک سو خوشحال شدم که یکی از مسئولان رده بالای وزارت آموزش و پرورش درد مشترک ما را دارد و گویی از زبان ما سخن می‌گوید، و از سوی دیگر متأسف شدم چون دیدم در جایی می‌گوید: «برای حذف کنکور یک عزم جدی می‌خواهیم، اما آن عزم فعلاً وجود ندارد. مجلس و دولت، یعنی آن‌هایی که قانون حذف کنکور را تصویب کرده‌اند و آن‌هایی که باید اجرا کنند، می‌دانند که گروه‌های فشار، و به تعبیر من گروه‌های مافیای کنکور، نمی‌گذارند کار درست شود». ایشان در ادامه به برخی تبعات منفی کنکور هم اشاره کرده‌اند که باز حرف دل ما و پیشینیان ما (و در رأس آن‌ها زنده‌یاد پرویز شهرداری است که دردمندانه سال‌ها در این باره گفت و نوشت) است. تأسف من از این بود که این مافیای کنکور مگر چه قدرت و اراده‌ای دارد که تصمیم‌سازی در رده مسئولین رده بالای آموزش و پرورش را هم از اصلاح امر ناامید کرده است!!

کنکور سراسری یک بیماری فرهنگی است که جامعه ما را ذره ذره از محتوای علمی تهی می‌کند و مقابله با آن رسالت و وظیفه همهٔ دلسوزان عرصهٔ فرهنگ است: برخی از آثار ویرانگر این پدیدهٔ مخرب به‌طور خلاصه به شرح زیر است:

۱. نابودی خلاقیت در دانش‌آموزان